ذرەبين



کاظم زندهدل در گفتوگو با «شهروند» تأکید کرد:

لزوم ساماندهی برنامه کنترل سرطان در کشور

احداث بیمار ستان ۵۴۰ تختخوابی سرطان به دلیل کمبود منابع متوقف شده است

رطان فعاليت مي كنند، با ايــن حال حدود زمینه سرطان فعالیت می سند بر بر ای ۱۱۵ الی ۱۶موسسه در مراکز استان ها فعال هستند و ۲۰۰۰ - ۱۰ : ام د که نهایتا بین ناید ۱۰ موسسه دیگر هم بتوان نام برد که نهایتا بین ۲۰ تا ۲۵ موسسه در کشـور در زمینه سرطان فعالیت میکنند. بعضی از موسسات اختصاصی برای سرطان کارنمیکنندوبخشیاز فعالیتهای آنهابهبیماریهای صعبالعلاج و سرطان اختصاص دارد. در کل دو یا سه موسسه هستند که در سطح ملی کار می کنند. در رابطه با ارایه خدمات به بیمار و همراهان بیمار که

فرمودید در موسسه خیریه سرطان صورت میگیرد، توضیح دهید. هزینه هایی که بیمار پرداخت می شود جگونهاست؟

ماتبراساس زمان متفاوت استچون تغي _.ر ای ولت و بیمارستان تأثیر می گذارد. زمانی است که بیماران برای هزینه های درمان شان به شدت مستأصل اند، با ار تباطاتی که وجود دارد سعی می کنیم این هزینه هارا بپردازیم. در حال حاضر که برنامه تحول اد چک کر محب الب کی داد ا ین روی به در می روی به بیماران می کندشایداین نیاز سلامت کمک بیشتری به بیماران می کندشایداین نیاز کمتر شده و در عوض نیازهای جانبی بیماران است که بیشتر آزارشان می دهد. هستند خانوادهایی که حتی قدرت تأمین دفتر فرزندانشان راندارند یااین که بیماری نیاز به خوردن گوشت دارد و توان خرید آن را ندارد تا کمخونی خودراجبران کند.مادر حد توان به آنها کمک می کنیم، سیاری زبیماران و همراهانشان از شهر ستان مى ىنيې،بىيرى(بېيەر)رىرىمەر مىسەن(مەم مىسەن)رىمەر سە مى] يىدو وقتى مىدتاقامت طولانى شود، ممكن است حتى ھزينە تعويض لباس نداشتەباشند؛مالباس براى آنها تأمين مى كنيم. اينها نيازھاى قابل ذكرى نيست ، مدر ال •مالباس برای چون نیازهای اصلی اینها نیست و نیازهای مهم تری وجود دار د.

ن نیازها، دستر س . بکسی از بزرگتر ی ی را را را استانهاست که حتـی مراکز رسـی در مراکز استانهاسـت که حتـی مراکز رادیوتراپی در بعضی بیمارستانها وجود نــدارد. به همینخاطر بیمار مجبور است به شــهرهای بزرگ مسافرت کند و گرفتار مسائل دوری از خانه و... شود.

ما معافرت نداو درمار مساعل دوری را ما عقیده داریم اگر موسسات آن قدر قوی شوند که نیازسنچی و اولویتبندی کنند، بدون شک ساخت درمانگاه یا پیش بردن برنامه پیشگیری در استان ها یشتری دارد تااینکه خ را در گیر نیازهای روزمره بیماران بيمارستانساخت کنیم. برای همین باید مشکلات مبتنی بر شواهد بیرون آیدو منابع راضی کننده نباشد.امی مرف آنها شود. به هر حال مبحث مهم در این مورد برنامه کنترل سرطان در کشور است که تقریبا در همه جای دنیا بُرای سازمانُهای مردم نهاد شرايطي فراهم مي شود

کهُ در تصمیم گیـری واجرا و جَــذب حمایت کمک میکندلذاساماندهی برنامه کنترل سرطان مسئولیت بسيارمهم دولت وسازمان هاي دولتي وسياست گذاران

روشن شدن وظايف انجى اوها مبتنى بر اين است که سایر نقش ها تعریف شده باشد. چون برنامه کنترل سرطان، پیشـگیری و درمان یک برنامه کاملا درمانی حاشیه شویم. این پروسه زمان می رد؛ماخیلی جوان ایم بک سال ونیم است که فعالیت خود را شروع کردهایم. هنوز نیاز به زمان داریم تــا نقش های کلیدی تری ایفا کنیم به هر حال برای شــروع ســعی کردهایم به رفع و رجوع گرفتاری ها بپردازیم، احساس مان این است که ر بلی طرحتری، بچر ریم، مسئولیت داریم. باید در سطح واقعا در زمینه سرطان مسئولیت داریم. باید در سطح کشور پاسخ به همه نیازها تعریف شــود تا ان جیاوها نقش موثر ايفا كنند و در اين ميان بعضي از كارها را به فودمردمبايدسپرد.

قانون گذاری و وجود دستورالعمل کلی در توسعه فعالیت های موسسات مردم نهاد سرطان چقدر موثر ست؟ قطعا خیلی مهم است. گردش اطلاعات و تولید اطلاعاتی که مشکلات را نشان می دهدیکی از وظایف مهم ان جی اوهاست، مادر مراکز علمی تلاشه مان را می کنیم اما بعضی لوقات چشــَممُان نسبت به اتفاقاتُ بیرون بسته است. وقتی مشکلات لیست شود بخشی از آن را مامی بینیم و بخشی را خود مردم، ان جی اوها و خود مردم هستند که باید بگویند. این ان جی اوها مى توانند صداى بيمار باشــند. وقتى دســـتورالعملى

حوزه درمان سرطان پســتان و خون) همیشه یکی از کسانی که باید در جلسه باشد، نماینده ان جی او اس چراکه داریم در مورد بیماران تصمیه می گیریم و يكطرفه نمى توان بــه قاضى رفت وحتى در دنيا اينها ت ر - - - » ـت و کُمک های .. سهمشان بیشــتر از یک یا دو نفر اس جــدی در تصمیم گیری می کنند. با ایــن حال باز هم نی آرید ا فرآینداین چرخه و بازدهسی آن برمی گردد به این که انجى اوها ظرفيتهاى خروجي را داشته باشند يعنى کار کنندو توانمند شوندو نقش کلیدی تری ایفا کنند. یک اشــتباه رایج این اسـت که ان جی اوهای سرطان

نوشته میشود (اخیرا دو دستورالعمل نوشته شده ه

و افراد صاحب نظر در کشور باشند و در مسائل درمانی ورود پیدا کنند و این دیدگاه نسبت به ان جی اوها مهم است.شاید تأثیر کاریان جیاو خیلی قوی تروموثر تراز کاری است که مادر ساختارهای دولتی می توانیم انجام دهیم ولے مہم اجرای در ست قوانین و وجود هماهنگی است تا موازی کاری صورت نگیرد. تحلیل و ارزشیابی خيريهها واين كه به نتيجه مى سند ياخير مس تصمّيم گيرندگان و قانون گذاران است تا كمك كند،

تأثيرمى گذارد؟

حمایت هـای اولیــه در زمانی که بودجه در اختیار شــان قرار دهند

مستقیممالیبهمردمایناست کهزیرساختهایلازمایجاد شودتامردمبهراحتى خدمات بگیرند.ُشایدتازمانی کهاین ەنشود كمكمردم يادولت چندان واريم بابكموسسة در شأن كشور ومردم،بهترين خدماترا ارايەدھىم

ے۔ ۔ ۔ شود که مسیر خیریہ عوض شود خوب ن

مدواست.مردممی آیند کارهارامی بینندوبعد تصمیم شده است.مردممی آیند کارهارامی بینندوبعد تصمیم می گیرند.هم ساختارهای دولتی همان جی اوهاوظیفه دارند که شفاف اعتمادسازی کنندو نشان دهند چه

تن به کرم مردم و تلاش موسا سات خيريه برمی گردد و دلیلی برای سوءاستفاده وجود ندارد. مثلا موس . فادەندارد. نيازىبەسوءاسا

اعانه مــردم و کمک.ها هســت به همیـــن دلیل ما نشــان داده مردم در دراز مدت به این موسسات اعتماد

دارندو وقتى خروجى ونتيجه را ببينند، اعتماد جل مىشىودوبدون كاركردن وهزينه درست اين اتفاقها یی نمیافتد. چون منابع مردمی هم محدوداند اگر شــما بخواهید کاری انجــام و محصولی ار ایه دهیدباید وقت و از رژی زیادی بگذارید. قوانینیی داریم و من بعنوان مدیرعامل پاسخگو هستم. در کل سیستم کنترل و نظارت بر عملکرد موسسات مردمنهاد در همه حوزهها

باتبهاين صورت است كها گر سوءظنى دراكثرموس وجود داشته باشداگر فرد می طرفی در اساستامه دقیق شود.قانع می شود. مگر این که موسسهای باشد که هیچ کار کردی:داشته وفقط نامی ثبت شده باشدو تبدیل به یک جریان نامناسب شده باشد. يكَ جُريان نامناس،

بيەنظر من خودمىردم نگاەمى كنندو گزارشىات ے خودم یبینندو بعد تصمر موسسہ را تأسب نجام ا ىد تصميم مى گيرند. مــا قبل از اين كه ـيس كنيم تحقيقى از طريق پيام كوتاه نجام داديم كه چه عواملي باعث مي شود تامر دم كمک كنندو اينكه به كجابيث ىتر اعتماد مى كنندو نتي بسيار شفاف بود. موسسهای که اسم و رسم دارد و افراد خوشنام در آن حضور دارند واطلاعات شفاف لرايه شود مردم به آن اعتمادمی کنندو یکی از دلایل برای تأسیس موسسه هم این بود که احساس نیاز کردیم که به صورت ر رسمی موسسهای شکل پیدا کندو در همان چارچوب به مردم گزارش دهدو بخواهد که مردم کمک های خود

ُرًای کارنامه یک ســاله می توانیــد به صورت آماري فعاليتها ، موفقيتها و دســتاور دهايي که داشتهاید را بررسی کُنید؟ آیا به اهداف خود رسیدهاید؛چشمانداز توسعهاینخیریهسرطان تاچهاندازهپیشرفتهاست؟

یکسال فعالیت برای ایجاد زیر ساخت هاست. گاهی دو یا سه ماه طول می کشد تا شماره حساب باز کرد و دفتر اثبت ومراحل ادارى راطى كردتا هماهنگى ها شكل

. در مورد خیریه سرطان فقط دو، سه ماه طول کشید تا با شُهُرُداری بَرَای برُنامهٔ های آموُزشی مان هُماهنگی شکل بگیرد. ولی برای رسیدن به اهداف مان مشکلات زیادی داریم. در ابتدا تصور می کردیم خیلی سادهتر باشدولی وقتی به شاخص های مدنظر نگاه می کنیم مثل شــفافيت در همه زمينهها وموفق يودن در جذب منابع می فهمیم موارد خاص نیاز است تاموسسه بزرگ شود. نمی شود موسسه ای که در دل بقیه کارها شکل گرفته مجازی شکل بگیر دو باید به یک موں به واقعہ دیل شود و به نوعی از دل بیمارســـتان کنده شود و فروههای مختلفی در آن شروع به کار کنند.

دادهایــم و در کُنــار برنامه های آموزُشــی کــه بر گزار کردیم بــه نظر میرســد که در مســیر درسـت قرار گرفتیم. ولی این که بهصورت آماری بخواهیم عدد و رقم بگوییم کـه برای خودمان چقـدر رضایتبخش بوده به نظرم خیلی زود است. البته باید توجه داشت نيتو كانس رطان را باید در قالب انس در كل در چارچوب بيمارستان امام خميني (ره) ديد و جيد؛ يعنى نگاهى كەبەموسسەدار يوربايد باتوجەبە چشم|ندازهای کلی تر باشد.بااین حال کار بزرگی است ن احد ا و هنوز اول راهیم. اصلی ترین پروژهای که ده در روز روز ۱۰٫۰ می روز ۵۰ داریم احداث بیمارستان ۵۴۰ تختخوابی سرطان است. باتوجه به نیازی که در کشور و بیمارستان وجود داشته کلید آن زده شده اما به دلیل محدودیت منابع متوقف شده و هر روزی که می گذرد ضرری به بیماران و مردم واردمي شود.

. دنبال راهی هستیم به کمک مردم این بیمارستان را اهاندازى كنيمو شايداستراتژ يکترين هدفمان همين است، چون می بینیم در طول ۴۰ سال انستیتو کانسر بدون چشمداشت چگونه به مردم کمک کرده ودر زمان جنگ و بحران های مختلف حتی یک روز هم اتاق عمل

. بهره بهتر از کمکهای مســـتقیم مالے به مردم این بهر به رو به است که زیرساختهای لازم ایجاد شود تا مردم به راحتی خدمات بگیرند.شاید تازمانی که این بیمارستان ساخته نشود کمک مردم یا دولت چندان راضی کننده نباشد. امیدواریم با یک موسسه در شأن کشور و مردم، بهترین خدمات را ارانه دهنسو. اولونت و تلاش اصلی ب ق سرطان خيريهسرطانوديگرموس برپایی این بیمار ستان است.

عارباداجهانيانرا،عار

نفس وكرامت تصوير خويشتن از خود بازمي گردد واز سوی دیگر،معمولا باچشمپوشی از لذتهایی، یا پذیرش رنجهایی همراه است که این تصویر را ىخدەش تەانىد كاد.

ں ر ممانطور کهآرمان،های عالی وخوا، زرگ برانگیزاننده کردارهای بزرگ و درخشــان ربر ۲۰ بر ۲۰ رو ۲۰ رو ۲۰ رو ۲۰ ست، عار نیز مهار کننده اصلی کردارهای پست و باشایست است. آنچه مردمان را بزرگ می سازد و ایشان رابه آفرینندگان تاریخ-وُ نهُ چُرخد، پیشبرنــده آن-تبدیل می کند، آنچه اس به کار کار به کاری واین خواست و عار است که این دور امرزبندی می کند. عار، از خودانگارهای ارجمندو شایسته از خویش

رمی ُخیزد تامنُ تصویری دلپُســند و خُوشایند ز خویشــتن در ذهن نداشته باشــد، دلمشغول ر خدشهدار شدنش نخواهد بود.ارجی که من برای خویشتن قایل است، خمیرمایه آن چیزهایی است که از آن عار دارد. خودانــگاره و روایتی که من از گذشـــته خویشــتن دارد و نمایشــنامه و ناســتانی که برای آینده خویش طرحریزی کرده است، زمینهای هســـتند که این از ج و شایس در دل آن صور تبندی می شــود و خاکی است که ریشههای عار در آن پامی گیرند. روایتی که من از

، ناریخ من در دل دارد، تعیین کننده مرز کردارهای کردنی است، چنان که چشهانداز من برای آینده، کردارهای بعدیاش را مشخص می کند از این رو، خواست و آرمان رو به آینده دارنـد، در حالی که خواست و آرمان رو به اینده درست ر عار از گذشته و تاریخچه زندگی فسردو تاریخی است است در تغذیب میکند این که هویتش را برمیسازد، تغذیه میکند این چشهانداز از گذشته و آن چشمداشت از آینده هْستَنْد که در لحظه اکنون به هم گره میخورند وانتخاب کرداری ویژه را ممکن می سازند. شرایط تــن دادن و تــن در نــدادن به چیزها و شــرایط، دستاورداین پیوندعار وخواستاست.

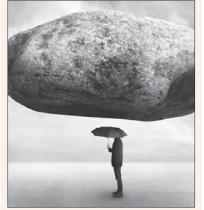
----رر ین پور عارو خوستاست. ۴-عاراز تاریخ برمی خیزد و به همین دلیل هم آن کس که تاریخی ندارد، بی عار است، ایرانیان، در دارازی تاریخ پهین دامنه خویش، اشکالی بيار متنوع از صور تبندي اجتماعي عار را تجربه اند. در زمان های دوردست، در آن هنگام که ۔ اہ ک ایرانیان درقالب تمدنی پارُسی متحد شده بودند و بر گیتی فرمان میراندند، از دروغ گفتن و گریختن از برابر دشــمنان عار داشتند. بعدها، که طعم تلخ شکست از مقدونیان را چشمیدند و زیرکتر و دند،از بدخواهي و آزردن طبيعت عار منعطفتر ناشتند. عار ایشـــان، اما، گام به گام با پیشر وی در تاريخ و باانباشته شدن ضرورتهايي که مرزهاي اين نکردني ها و مباداها را سست تر و سست تر مى كرد، عقب نشينى كرد. چندان كه شايد امروزه مهم ترين تمايز ايرانيان را با اجداد سرافراز شان، عارباداجيًّهانياًن راعار

از دو سه ماده ایله طر ار شكلك زهدان ولى ز درون رب ليس في الدار سدى ديار

به دو يول سياه بتوان يافت زين چنين خربطان دوسه خروار فراموش کـــردن تاريخ، عارضهاي... سستی عار و شعف شرم منتهی می شود و چه بسا که عار داشتن از کاری و شرم کردن از جور خاصی ودن است که ارجمندی و ارزش مردمی را و کسی اِمحکزند امروز، اگر بی عار شدهایم، از آن روست

كەتارىخخويشتىن راڭم كردەيم. اماتارىخباز خواندنىاستوبازساختنى،كەشايد درنهایت تاریخی چیزی جز بازخوانی و بازتفسیر مداوم گذشته در اکنونی مستمر و همیشگی بهاشد. به این ترتیب، تاریخی که هویت مار او تاريخچەاي كەماھىتمرابرم سازدر، وابت ها بـ ىپەرى ئەسىيەسرابرىتىسارداروپيەسىيى ندكەمى توان آنان راباز آفرىدو عار نىز چنين ست

رستى زعالم اما، از خويشتن نرس عار است هستی تو،واین عار تابه گردن عیاروار کم نه تودام و حیله کم کن ماندندچون سگاندر مردار تا به گردن دامیاستطرفهترزاین کزوی فُتادهبینی بیعقل تابه کعبو هشیار تابه گردن





کجاسر بر آریم از این عار و ننگ

كهبااوبه صلحيم وباحق بهجنگ ۱-هـزار و صـدو شـصت و پنج سـال از آن پنجشنبه روزی، می گذرد که بابک خرمدین را در پرابر خليفه عباسی زندهزنده مُثله کردند. پهلوان بربر خلیف عبلی رندم مند درمند بهتون ایرانی در آخرین دقایق عمر خویش، دست به رایان منابان در کند ر تالوغ و داستان هابراه روایت شده و بزرگداشت نامش را تضمین کرده است. بابک، وقتی یکی از دستانش را از بدنش جنا کردند دستش را در خون خود خیس کرد و جدا کردند، دستش را در خون خود خیس کرد و به چهره کشید و وقتی خلیفه از او پرسید که چرا چنین کرده، گفت: درنگ روی مردمان از خونشان باشدو چون خون برود، رنگ زرد گردد، پس چهره خونین کردم که عارم آمداز آیندگان که به اشتباه بگویند در دم مرگ از ترس رخش زرد شد». آنچه که بابک را به این حرکت دیدنی وادار کرد، حس بودبهنام اعار»، كه گوياديرزماني استاز يادهارفته

تاريخ ايــران، همچون تاريخ تمــام تمدر دیر پای دیگر، منظومهای ست پر معنا که از انباشت زندگینامههای بیشمار انسان «متمایز» و «ویژه» تشکیل یافته است. انسان هایی که از زمینه تخت وهموار هنجارهای اجتماعی پیرامون خویش سر ست به کارهایی بزرگ فرا برد ۔ بیرون کشید وبســـته به توانمندی خویش و ســاز گاری بخت، پیروز یاناکام گشتند. در این میان، برخی، به خاطر انچه که کردندنامآور شدند و برخی به سبب آنچه که نکردند. راهنمای آنان کـه کردارهایی بزرگ را به انجام رساندند، خواست و آرمانی بزرگ و مهار کننده آنان که از اشتباههایی بزرگ سر باز

زدند،عاربود. ۲–عار، شاید مشتقی از شرم باشد. عار داشتن از کاری، بدان معناست که فرد حدو مرزّی برای شایست و ناشایست خویش قایل است و بکن و مکنهایی را میفهمد و بدان عمل میکند. عارداشتناز انجام کاری،بدان معناست که رفتاری در دامنه انتخابهای فرد قرار میگیرد که از نظر ۔ ،شـــود. شاند نه اه ناشا بسبت ه نابس لزوما بدان دلیل که این رفتار امری غیراخلاقی یا فيرمجاز است،بلكه بدان خاطر كه فرد،ار تكاب آن كردار رااز خويش دور مىداندو دست يازيدن بدان ا مایہ کوچکی و فرومایگی خویش مے پندارد به این تر تیب،بابکی که از زردشدن چهرماش هنگام مرگ عار داشت، در برابر امــری طبیعی و عادی

مقُاومت می کرد که بخُشُ بزر گی از همگان همواره هنگاممردن به تکرارش مشغولند. عار،ناهمخوانی میان یک گزینه رفتاری است،با عار،ناهمخوانی میان یک گزینه رفتاری است، با خودانگاردای کهمن از خویشتن در ذهن دارد.منی که از انجام کاری عار دارد، سوژهای انتخابگر است که اصبر می طران میزان می سوره ی سکیم است که تصمیم می گیرد گزینه هایی را بعدلیل ایست بودنشان نادیده انگارد. عار، از جنس عایت قوانین وهنجارهای مرسوم اجتماعی نیست، که کسی که جنین می کند معمولا براساس وجنان و بر حسب وظيفه چنين مي كندونه برمبناي عار. همچنين . جنس آن با پرهیز از چیزی بهخاطر ترس و اجبار یز متفاوت اســت که آدمیان معمـولا به طمع

پاداشى ياپيشگيرىاز عذابى چنين مىكنندوعار باد ابن مباد حام نىست. رادراین میان جایی نیست. از این روست که انتخاب های اجباری، یاجبر های فارغ از انتخاب در دایــره تعریف عار نمی گنجند. سرنوشــت شــوم لطفعلی خان زند را کسی مایه سرشکستگی او نمیداند و هیچ کس نیست که حلاج را به خاطر رنجه شدن به هنگام مرگ بی عار

عار اما، بــه ادراکاتی که به خودانــگاره مربوط می شوندولرزیابی خویشتن از خویش را تنظیم می کنند، ارتباط دارد. چندان که کسانی را که خویشتن را پست میدانندو از ارتکاب هیچ عمل نادرستی رویگردان نیستند، بی عار می خوانند. بر این اساس، عار داشتن، از سویی به حفظ سیادت

را مراکسزی جدای وزارت بهداشت یا متولیسان، آن، ۱ ر سر صری بندی ورز کیهد سب یا سر پیش از را غیر پزشک میدانند. به بیان دیگر خیر یه هادر چارچوبی در ذهن ما شــکل گرفته و جایی در وزارت بهناشــت ندارند و نمی توانند از ظرفیتهای وزارت بهداشت برای جــذب کمکـهای مردمــی اســتفاده کنند. در مورتي كهان جي لوها مي توانند پزشكان و متخصصان

مەاحساس كنيمروىرىل درست حركت مىكنيم. ماہیت ان جے او طبوری اسبت کہ وانسیتگے مالی ب می دولتی نداشته باشداما در کشور ب ما اینطور نیست، خیلے از خیریہ ہا حتے کمــک هزینــه و یارانــه هــم دریافـت میکننــد. فكر مىكنيد چقدر روى عملكردشان

، دی را می تــوان کلی صحبت کــردچون خــود حمایہ از ان جے اوہا و شــکل دادن و توانمنــد کر دنشــان و

به شـرطٌ اين كهُ پابگيرند صورت بهرهبهتراز كمكهاى به مصر میں میں یہ بیرے مرر می گیرد. اما این که وامدار سیستم دولتى شوند و بهطور دايم بودجه برای آنهــا تخصيص داده ش مر حرف شما صدق می کند و اینها مستقل تصمیم گیری نمی کنند چون منابعشان به جایی وصل شده که اگر روی واقعیتها کار

كنند شمايد محدوديت برايشا داشته باشــد به عقيده من اصل . اینکه دولت از ان جی اوها بر اساس فرمولی که شفاف باشد، حمایت

كنداشكالى نداردولى اين كه تبديل به رانت يا جريانى اعتمــادمــ دم ـــه موسســـه های خبر بــه با توجه به

وءاستفادهای حتمالی چطور است؟ دقیق نمی توان گفت امامر دم بی اعتماد هم : مردم باهوش اندوم راجعه می کنندو می بینند که چقدر کار شده و فر آیند توسعه پیدا کرده و چه خدماتی ار ایه

خدماتی به بیماران ارایه می شود. خوبی موسسات رسمی این است که مجوز می گیرند و وزارت کشور گزارش های مشخص از آنها میخواهد و دفاتر آنها در صورت لزوم کنترل می شود. هرجایی بى شود سوءاستفاده كرداما چارچوبى بايد تعريف سی سود سود سوء سوء سر مدید پر پر پر پی بید سریا شــود تااحتمال سوءاســـتفاده از بین برود. مهم وجود ساختارهای رسمی حداقلی است که انجام شده و باقی بته یک جاهایی هم باید چشــم را بســت چون کار ین گاست و نیاز ها جدی اند. ممکن است مثلا خطایی برر غیرعمدی صورت گیرد. حســن اغلب موسسات این است که افراد سرشناس و خوشنام در آن حضور دارند ۔ ما

خودمان حساسیت زیادی در شکل دادن وهدف گذاری فعالیت هایمان داریم ویی گدار به آب نمی زنیم ووسواس زیاد داریم. این سـو، ظن ها تمامی نـدارد و تجربه دنیا

به بیماران نیست. خیریه سـرطان تلاش می کند. تحقیقات سرطان اصولی و براساس نیاز کشور و به میزان کافی انجام شود؛ آگاهی مردم نسبت به این بیماری مهلک افزایش یابید: روش های موثر برای ییشگیری از سرطان در کشور به صورت صحیح و به پیسمبری رسو حان در مسوریه مورت مسیع وید. میزان کافی اجرا شود:بار سنگریه هزینه هابر دوش آنها کمتر شودودرد بیماران مبتلا به سرطان کاهش یابد. دکتــر کاظم زنده دل در حــال حاضر مدیر یت ــه را برعهــده دارد. او پــس از فراغت از تحصیل در پژوهش های مختلف شــر کت داشــته است؛ماننداولین تحقیقاتدر غددو گوارش.بعدها بهعنوان پزشــک عمومی واردانستیتو کانسر شد و در طرحهای پژوهشی این مرکز شــرکت کرد. او می گوید، وقتی تقریبا مطمئن شد که در این زمینه توانا بی دارد، با بور سب و زارت بهداشت به سوئد سيلاتشرادررش رفتهو تحصیلا نشر ادر رشته اپیدمیولوژی سرطان ادامه داد. پیش تر بخش اول گفت و گوی «شهروند» با او منتشر شـد. بخش دوم گفتوگوی «شهروند» با ایــن متخصص اپیدمیولوژی ســرطان را در ادامه بوسسات خيريه وسازمان هاى مردم نهاددر كشور ما

باچهچالش هاو کمبودهایی مواجه هستند؟ مهم ترین مشــکل این اســت که ســلیقه ای رفتار

طرحنو– راضیــه زرگری|ســرطان دومین علت مرگومیر مردم در کشــور ما است و سالانه تقریبا

صدهــزار نفر بــه این بیمــاری صعب العــلاج مبتلا می شوند و هر سال حدود ۵۰ الی ۶۰ هزار نفر به علت

سرطان جان خودرااز دست می دهند. به بیان دیگر

روریه سریب ۲۰ سر ۲۰ سر ۲۰ میر این در کشور نشان بررسی دقیق تر آمارهای سرطان در کشور نشان

می دهد که بروز سرطان در کشور روند تصاعدی داشته و آمار سـرطان رو به افزایش است. براساس

مطالعات صورت گرفته، طی ۲۰سـال آینده تعداد

ما با یکی از عز بزانمان به سرطان میتلاشود و این از

یک سـو به معنی آغاز دردورنج بیماری و از سوی دیگر تحمـل مشـکلات و هزینه های کمرشـکن

در مان بیماری است. موسسه غیر دولتی کمکهای مردمی به بیماران مبتلاب هسرطان (خیریه

سرطان) به همت متخصصان سرطان و مسئولین

با همكاري خيرين و با هــدف حمايت از برنامه هاي

مختلف مربوط به کنترل سرطان شامل: پیشگیری،

تأسيس شده است. رويكرد خيريه سرطان صرفا

مابهالتفــاوت هز بنههای درمان و بــه نوعی صدقه

یع آوری کمک هـای مردمـی بـرای پرداخت

شخیص زودرس، درمان و حمایتهای تس

ينموس

مىخواتيد

تو کانسر ایران» و «مرکز تحقیقات سرطان،

یاران سرطانی دو برابر خواهد شد. شاید بهزودی

روزانه تقريبا ۲۵۰ نفر به سـرطان مبتلامی شـوند

می کنیم و به همیسن دلیل نمی دانیم نیاز کجاست و درواقع نیاز آنقدر وسیع است که هر کجادست می گذاریم مدتها مشغول رفع آن هستیم. اگر بازماندهی بهتری صورت گیرد و نیازها مش شودخيلىها مىتوانند نقش كُليدىتُرى ايفا كنند مهمترین مشکلی که در زمینه سـرطان و موسسات خیریه مرتبط بـااین بیماری به چشــم میخورداین است كه افرادبادلشان موسسات را شكل داده وبراساس آنچه به ذهن شان می رسد و با توجه به اطلاعاتی که کسب کردہاند، تلاش می کنند و کمتر با برنامہ ای استراتژیک ملی پیش میروند. در کشور ما باید در این حوزه تلاش کنیم تا همه موسسات خیریه و مردمنهاد با برنامه منسجم پیش روند. سازماندهی، اطلاعر سانی برست مست. پیش روعت در منطق می مرد می مربع می و هم در و توانمند کردن خیریه ها هم در جــذب منابع و هم در فعالیت هایشان تاثیر گذار است. البته اخیرا تعدادی از موسسات گردهم آمده و «مسبکه موسسات مردم نهاد سرطان» را تشکیل دادهاند. هدف شبکه این است که فرآیندها با توجه به دستوراتی که در وزارت کشور به تصویب میرسد، اجرایی شـود. این که چه زمانی نتيجـــه بگيريم و موفق شـــويم به خـيلـــے (ز اتفاقات تصمیم گیری هابر می گردد. تا امروز چند جلسه بر گزار شــده و درحال رایزنی هســـتیم کـــه مراحل تصویب

سنده و درخان زیری هسیدم نیه مراحل نفویب پشتسر گذاشتهشود. در حوزه سرطان به غیراز موسسه شسما که یکی از بزرگتریس مراکز سرطان است در تهوان یـامراکز استان ها چندمر کز به صورت مرد مهٔ بهاد شکل گرفته و فعالىتمى كند؟

این مرکز در اصل یک موسسه دولتی است (انستیتو کانسر) واز درونش این موسسات بیرون آمده که در